

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف

۰۹ اپریل ۲۰۲۲

## جنگ اوکراین از نگاه چینی‌ها دیدگاه چین در قبال سیاست بین‌الملل (۵)

### فهرست مطالب

هم مقدمه و هم پی‌نوشت ...

صلح را گرامی بداریم، با هم در اتحاد کار کنیم و یک آینده برد-برد را برای آسیا-اقیانوسیه دنبال کنیم  
جنگ، ریسک و روابط ..

سرمقاله گلوبال تایمز: امریکا نمی‌تواند انتظار داشته باشد که چین تحت سرکوبش همکاری کند  
نتایج احتمالی جنگ روسیه و اوکراین و انتخاب چین ..

"انزوای" باشکوه در جنگی درون اروپا

متهم ساختن چین در نزاع روسیه و اوکراین، مُهمل و مضحک است ...

روابط چین-روسیه مهم‌ترین داری ستراتیژیک است که با تحریک امریکا نمی‌تواند آسیب ببیند .

مردم چین کوچک‌ترین تحولات در رویارویی روسیه- امریکا را دنبال می‌کنند .

هماهنگی دو سوی اقیانوس اطلس در قبال چین؟ .

معضل دوگانه امنیت

### نتایج احتمالی جنگ روسیه و اوکراین و انتخاب چین

نویسنده: هو وی

[توضیح: این مطلب توسط مرکز کارتر منتشر شده و بازتاب قابل توجهی در رسانه‌های غربی داشته است. مطلب حاضر، منعکس‌کننده جریان اصلی در سیاست خارجی چین نیست و نویسنده آن واضحاً اتخاذ رویکردی غرب‌گرایانه را به دولت چین پیشنهاد می‌دهد. آن‌گونه که مرکز کارتر گفته است، هو وی، نایب رئیس مرکز تحقیقات سیاست‌گذاری عمومی دفتر کنسولی شورای دولتی چین و رئیس انجمن تحقیقات سیاست‌گذاری عمومی شانگهای است. این مطلب در تاریخ ۵ مارچ به چینی نوشته شده و در تاریخ ۱۲ مارچ به انگلیسی ترجمه شده است.]

\*\*\*\*\*

جنگ روسیه و اوکراین شدیدترین نزاع ژئوپلیتیکی از زمان جنگ جهانی دوم است و پیامدهای جهانی بسیار بزرگتری نسبت به حملات ۱۱ سپتامبر خواهد داشت. در این لحظه حساس، چین نیاز به تحلیل و ارزیابی دقیق سمت و سوی جنگ و تأثیر بالقوه آن بر چشم‌انداز بین‌المللی دارد. در عین حال، به‌منظور تلاش برای دستیابی به یک محیط خارجی نسبتاً مطلوب، چین باید به‌گونه‌ای انعطاف‌پذیر [به بحران اوکراین] پاسخ دهد و انتخاب‌های ستراتیژیکی منطبق با منافع بلندمدت خود داشته باشد.

"عملیات نظامی ویژه" روسیه علیه اوکراین، جدال و مباحثه بزرگی را در چین در پی داشته است و حامیان و مخالفان آن به‌صورت سازش‌ناپذیری به دو جناح مخالف تقسیم شده‌اند. این مقاله هیچ طرفی را نمایندگی نمی‌کند، و برای قضاوت و رجوع بالاترین سطح تصمیم‌گیری در چین، این مقاله تحلیلی عینی در مورد پیامدهای احتمالی جنگ به همراه گزینه‌های اقدام متقابل مربوطه، ارائه می‌دهد.

## I. پیش‌بینی آینده جنگ روسیه و اوکراین

۱- ولادیمیر پوتین ممکن است نتواند به اهداف مورد انتظار خود دست یابد که این امر روسیه را در وضعیت دشواری قرار می‌دهد. هدف از حمله پوتین، حل کامل مسأله اوکراین و منحرف کردن نگاه‌ها از بحران داخلی روسیه با شکست اوکراین با یک حمله رعدآسا، تغییر رهبری آن و ایجاد یک دولت طرفدار روسیه در این کشور بود. با این حال، حمله رعدآسا شکست خورد و روسیه قادر به پشتیبانی از یک جنگ طولانی‌مدت و تقبل هزینه‌های بالای آن نیست. راه‌اندازی یک جنگ هسته‌ای، روسیه را در مقابل کل دنیا قرار می‌دهد و بنابراین چنین جنگی غیرقابل پیروزی است. شرایط هم در داخل و هم در خارج از روسیه نیز به‌طور فزاینده‌ای [برای کرملین] نامطلوب است. حتی اگر ارتش روسیه، کنیف پایتخت اوکراین را اشغال کند و یک دولت دست‌نشانده با هزینه‌های گزاف تشکیل دهد، این امر به معنای پیروزی نهایی نخواهد بود. در این مرحله، بهترین گزینه پوتین، پایان دادن به جنگ به‌صورت آبرومندانه از طریق مذاکرات صلح است، به‌نحوی که اوکراین را ملزم به دادن امتیازات اساسی کند. با این حال، آنچه در میدان نبرد قابل دستیابی نیست، به همین ترتیب دشوار است که در میز مذاکره به دست آید. در هر صورت، این اقدام نظامی یک اشتباه غیرقابل بازگشت را پایه‌ریزی کرد.

۲- جنگ اوکراین ممکن است تشدید شود و درگیری نهایی غرب در جنگ را نمی‌توان از نظر دور داشت. در حالی که تشدید جنگ پرهزینه خواهد بود، اما احتمال زیادی وجود دارد که پوتین با توجه به شخصیت و قدرت خود براحتی تسلیم نشود. جنگ روسیه و اوکراین ممکن است فراتر از محدوده و منطقه اوکراین تشدید شود و حتی ممکن است احتمال حمله اتومی را نیز دربرگیرد. هنگامی که این اتفاق بیفتد، ایالات متحده آمریکا و اروپا نمی‌توانند از درگیری دور بمانند، بنابراین یک جنگ جهانی یا حتی یک جنگ هسته‌ای آغاز می‌شود. نتیجه یک فاجعه برای بشریت و رویارویی بین ایالات متحده آمریکا و روسیه خواهد بود. این رویارویی نهایی، با توجه به این که قدرت نظامی روسیه با ناتو قابل مقایسه نیست، حتی برای پوتین بدتر خواهد بود.

۳- حتی اگر روسیه بتواند اوکراین را در یک قمار مستأصلانه تصرف کند، باز هم با یک وضعیت سیاسی پُر دردسر و دشوار روبه‌رو خواهد بود. روسیه پس از آن بار سنگینی را به دوش می‌کشد و زیر این بار کمر خم می‌کند. در چنین شرایطی، صرف‌نظر از این‌که ولودیمیر زلنسکی زنده باشد یا نه، اوکراین به احتمال زیاد یک دولت در تبعید را برای مقابله با روسیه در دراز مدت تشکیل خواهد داد. روسیه هم مشمول تحریم‌های غرب خواهد شد و هم در داخل خاک

اوکراین با شورش مواجه خواهد شد. خطوط نبرد بسیار طولانی کشیده خواهد شد. اقتصاد داخلی [روسیه] ناپایدار خواهد شد و در نهایت به زمین خواهد خورد. این دوره بیش از چند سال محدود، طول نخواهد کشید.

۴- وضعیت سیاسی روسیه ممکن است به دست غرب تغییر کند یا از هم بپاشد. پس از شکست حمله رعدآسای پوتین، امید به پیروزی روسیه بسیار اندک است و تحریم‌های غرب به درجه بی‌سابقه‌ای رسیده است. از آنجائی که معیشت مردم بشدت تحت تأثیر قرار گرفته و نیروهای ضدجنگ و ضدپوتین گرد هم می‌آیند، امکان شورش سیاسی در روسیه را نمی‌توان از نظر دور داشت. با توجه به این که اقتصاد روسیه در آستانه فروپاشی است، سرپا نگه داشتن این وضعیت خطرناک، حتی بدون باخت جنگ اوکراین، برای پوتین دشوار خواهد بود. اگر پوتین به دلیل نزاع داخلی، کودتا یا دلایل دیگر از قدرت کنار گذاشته شود، احتمال این‌که روسیه با غرب مقابله کند، کمتر می‌شود. در این حالت، روسیه مطمئناً تسلیم غرب خواهد شد یا حتی بیشتر تجزیه خواهد شد و روسیه جایگاه خود را به عنوان یک قدرت بزرگ از دست خواهد داد.

## II. تحلیل تأثیر جنگ روسیه و اوکراین بر چشم‌انداز بین‌المللی

۱- ایالات متحده رهبری جهان غرب را دوباره به دست خواهد آورد و غرب متحدتر خواهد شد. در حال حاضر، افکار عمومی بر این باور است که جنگ اوکراین نشانه فروپاشی کامل هژمونی ایالات متحده است، اما این جنگ در واقع فرانسه و المان را که هر دو می‌خواستند از ایالات متحده جدا شوند، به چارچوب دفاعی ناتو بازگرداند و رؤیای اروپا را برای دستیابی به دیپلماسی مستقل و دفاع از خود [یعنی سیاست دفاعی مستقل]، نابود کرد. المان بودجه نظامی خود را به شدت افزایش خواهد داد. سوئیس، سوئد و سایر کشورها بی‌طرفی خود را کنار می‌گذارند. با توقف نامحدود نورد استریم ۲، اتکای اروپا به گاز طبیعی ایالات متحده ناگزیر افزایش خواهد یافت. ایالات متحده و اروپا، جامعه نزدیک‌تری با آینده مشترک را تشکیل خواهند داد و رهبری امریکا در جهان غرب، دوباره باز خواهد گشت.

۲. “پرده آهنین” بار دیگر نه تنها از بحیره بالتیک تا بحیره سیاه، بلکه تا رویارویی نهائی بین اردوگاه تحت سلطه غرب و رقبای آن، کشیده خواهد شد. غرب، مرز بین دموکراسی‌ها و دولت‌های اقتدارگرا را ترسیم خواهد کرد و نزاع با روسیه را به عنوان مبارزه بین دموکراسی و دیکتاتوری تعریف خواهد کرد. پرده آهنین جدید دیگر بین دو اردوگاه سوسیالیسم و سرمایه‌داری کشیده نخواهد شد و به جنگ سرد نیز محدود نخواهد شد. این یک نبرد مرگ و زندگی بین موافقان و مخالفان دموکراسی غربی خواهد بود. اتحاد جهان غرب در زیر پرده آهنین بر سایر کشورها تأثیر خواهد گذاشت: استراتژی ایندو-پاسیفیک ایالات متحده [ستراتژی هند و اقیانوسیه امریکا برای مهار چین] تقویت خواهد شد و کشورهای دیگری مانند جاپان حتی بیشتر به ایالات متحده نزدیک خواهند شد و یک جبهه متحد دموکراتیک گسترده بی‌سابقه را تشکیل خواهند داد.

۳- قدرت غرب به‌طور قابل توجهی رشد خواهد کرد، ناتو به گسترش خود ادامه خواهد داد و نفوذ ایالات متحده در جهان غیرغربی افزایش خواهد یافت. پس از جنگ روسیه و اوکراین، صرف‌نظر از این‌که روسیه چه دگرگونی سیاسی خواهد داشت، نیروهای ضدغربی در جهان به شدت تضعیف خواهند شد. صحنه پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ ممکن است تکرار شود: نظریه‌هایی در خصوص “پایان ایدئولوژی” ممکن است دوباره ظاهر شوند، عروج موج سوم دموکراتیزاسیون شتاب خود را از دست خواهد داد و کشورهای بیشتری از جهان سوم، غرب را در آغوش خواهند گرفت. غرب هم از نظر قدرت نظامی و هم از نظر ارزشی و نهادی “هژمونی” بیشتری در اختیار خواهد داشت و قدرت سخت و قدرت نرم آن به اوج جدیدی خواهد رسید.

۴- چین تحت چارچوب مستقرشده، منزوی‌تر خواهد شد. به دلایل فوق، اگر چین با اقدامات پیش‌دستانه‌ای به تحولات پاسخ ندهد، با مهار بیشتر از طرف ایالات متحده و غرب مواجه خواهد شد. هنگامی که پوتین سقوط کند، ایالات متحده دیگر با دو رقیب ستراتیژیک روبه‌رو نخواهد بود، بلکه فقط باید چین را در مهار ستراتیژیک محبوس کند. اروپا خود را از چین بیشتر جدا خواهد کرد؛ جاپان به پیش‌قراول ضدیت با چین تبدیل خواهد شد؛ کوریای جنوبی بیشتر تحت نفوذ ایالات متحده قرار خواهد گرفت؛ تایوان به گروه هم‌سرایان ضدچین خواهد پیوست و بقیه جهان تحت ذهنیت دنباله‌روانه مجبورند که سمت و سوی خود را مشخص کنند و جانب یک طرف را بگیرند. چین نه تنها توسط ایالات متحده، ناتو، QUAD [مذاکرات امنیتی چهارجانبه بین امریکا، جاپان، استرالیا و هند] و AUKUS [پیمان امنیتی سه‌جانبه بین امریکا، انگلیس و استرالیا] محاصره نظامی خواهد شد، بلکه توسط ارزش‌ها و نظامات غربی نیز به مبارزه کشیده خواهد شد.

### III . انتخاب ستراتیژیک چین

۱- چین نمی‌تواند به پوتین گره زده شود و باید در اسرع وقت از وی جدا شود. از این منظر که تشدید درگیری بین روسیه و غرب به منحرف کردن توجه ایالات متحده از چین کمک می‌کند، چین باید تنها زمانی با پوتین جشن و سرور به‌پا کند و حتی از وی حمایت کند، که روسیه شکست نخورد. در صورتی که پوتین قدرت را از دست بدهد، قرار گرفتن چین و پوتین در یک قایق، بر چین تأثیر خواهد گذاشت. مگر در حالتی که پوتین بتواند با حمایت چین پیروزی را تضمین کند. چشم‌اندازی که در حال حاضر تیره و تار به نظر می‌رسد. چین دلیلی برای پشتیبانی از روسیه ندارد. قانون سیاست بین‌الملل می‌گوید "هیچ متحد ابدی و هیچ دشمن دائمی" وجود ندارد، اما "منافع ما ابدی و همیشگی است". در شرایط بین‌المللی کنونی، چین تنها می‌تواند با حفاظت از منافع خود، انتخاب شرّ کوچکتر از بین دو شرّ موجود و برداشتن بار روسیه از شانه‌های خود در اولین زمان ممکن، به پیش برود. در حال حاضر، برآورد می‌شود که تا پیش از این‌که دیر شود و چین ابتکار عمل را از دست بدهد، هنوز یک یا دو هفته فرصت باقی مانده است. چین باید قاطعانه عمل کند.

۲- چین باید از بازی با هر دو طرف اجتناب کند، بی‌طرف بودن را کنار بگذارد و موضع جریان اصلی در دنیا را انتخاب کند. در حال حاضر، چین سعی کرده هیچ یک از طرفین را نیازارد و در بیانیه‌ها و انتخاب‌های بین‌المللی خود، از جمله در دادن رأی ممتنع در شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد، راه میانه‌ای را طی کرده است. با این حال، این موضع نیازهای روسیه را برآورده نمی‌کند و [در عین حال] اوکراین و حامیان و هواداران آن را خشمگین کرده است و چین را در مقابل بسیاری از [کشورهای] جهان قرار داده است. در برخی موارد، بی‌طرفی آشکار، انتخاب معقولی است، اما این موضوع در مورد این جنگ که چین چیزی برای به دست آوردن ندارد، صدق نمی‌کند. با توجه به این که چین همواره از احترام گذاشتن به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی [کشورها] دفاع کرده است، این کشور تنها با قرار گرفتن در کنار اکثریت کشورهای جهان می‌تواند از انزوای بیشتر جلوگیری کند. این موضع، همچنین برای حل مسأله تایوان سودمند است.

۳- چین تا سر حد امکان باید به بزرگترین پیشرفت و موفقیت ستراتیژیک دست یابد و نباید بیشتر توسط غرب منزوی نشود. جدائی از پوتین و کنار گذاشتن بی‌طرفی به ایجاد وجهه بین‌المللی برای چین و تسهیل روابط آن با امریکا و غرب کمک می‌کند. اگرچه این امر دشوار است و به خرد زیادی نیاز دارد، اما بهترین گزینه برای آینده است. به این دیدگاه که یک کشمکش ژئوپلیتیک در اروپا که با جنگ در اوکراین کلید خورده، به طور قابل توجهی چرخش ستراتیژیک ایالات متحده از اروپا به منطقه هند و اقیانوس آرام را به تأخیر می‌اندازد، نمی‌توان با خوشبینی بیش از حد پرداخت.

در حال حاضر صداهائی در ایالات متحده شنیده می‌شود که اروپا مهم است، اما چین مهم‌تر است، و هدف اصلی ایالات متحده باید این باشد که چین را از تبدیل شدن به قدرت مسلط در منطقه‌ی ایندو-پاسیفیک بازدارد. در چنین شرایطی، اولویت اصلی چین این است که تعدیلاتِ ستراتیژیکِ مناسب را وفق شرایط انجام دهد، نگرش خصمانه‌ی امریکا نسبت به خود را تغییر دهد و خود را از انزوای نجات دهد. نکته‌ی اصلیِ جلوگیری از اعمال تحریم‌های مشترک امریکا و غرب علیه چین است.

۴- چین باید از وقوع جنگ‌های جهانی و جنگ‌های هسته‌ای جلوگیری کند و کمک‌های بی‌بدیلی به صلح جهانی داشته باشد. از آنجائی که پوتین بصراحت از نیروهای بازدارنده‌ی ستراتیژیک روسیه درخواست کرده است که وارد وضعیت آماده‌باش ویژه‌ی رزمی شوند، جنگ روسیه و اوکراین ممکن است از کنترل خارج شود. یک هدف عادلانه، حمایت زیادی را به خود جلب می‌کند و یک هدف ناعادلانه، حامی اندکی خواهد داشت. اگر روسیه به جنگ جهانی یا حتی جنگ هسته‌ای دامن بزند، مطمئناً این امر ریسکِ آشفتنگی جهان را در پی خواهد داشت. برای نشان دادن نقش چین به عنوان یک قدرتِ بزرگِ مسؤولیت‌پذیر، چین نه تنها نمی‌تواند در کنار پوتین بایستد، بلکه باید اقداماتی ملموس برای جلوگیری از ماجراجویی‌های احتمالی پوتین انجام دهد. چین تنها کشوری در جهان است که این توانائی را دارد و باید از این مزیت منحصربه‌فرد به طور کامل بهره‌برداری کند. قطع حمایتِ چین از پوتین، به احتمال زیاد باعث پایان دادن به جنگ خواهد شد یا حداقل در این صورت، جرأت تشدید جنگ را نخواهد داشت. در نتیجه، چین مطمئناً برای حفظ صلح جهانی از تحسین گسترده‌ی بین‌المللی برخوردار خواهد شد که ممکن است به جلوگیری از انزوای چین کمک کند و همچنین این کشور، فرصتی خواهد یافت تا روابط خود را با ایالات متحده‌ی امریکا و غرب بهبود بخشد.

ادامه دارد